

الگوی اسلامی - ایرانی روابط با آفریقا؛ بایسته‌ها و آسیب‌ها

بهنام سرخیل^۱

دریافت مقاله: ۱۳۹۷، ۰۳، ۱۷

پذیرش مقاله: ۱۳۹۷، ۱۰، ۱۸

چکیده

آفریقا به دلیل ویژگی‌های ذاتی ژئوپلتیکی و همچنین مولفه‌های جدید ژئواکونومیکی، به عرصه‌ای راهبردی برای رقابت قدرت‌های نوظهور تبدیل شده است. به گونه‌ای که بسیاری از تحلیل‌گران، قرن حاضر را قرن آفریقا نامیده‌اند. از این منظر کنش‌گران فعال بین‌المللی (نظیر دولت‌ها، شرکت‌های چند ملیتی، سازمان‌های فراملی) به بازخوانی و طراحی سیاست‌ها و الگوهای استراتژیک خود با آفریقا می‌پردازند.

در همین چارچوب یکی از جهت‌گیری‌های اساسی و نگرش‌های اصولی جمهوری اسلامی ایران در عرصه بین‌المللی، موضوع توسعه روابط و گسترش مناسبات با آفریقا و ارتقاء سطح همکاری‌ها در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی با کنش‌گران آفریقایی بوده است.

اکنون این سؤال مطرح است که ج.ا.ایران که طبق سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ هـ.ش درصدد ایفای نقش موثر در قالب بازیگری فعال و الهام‌بخش در عرصه روابط بین‌الملل می‌باشد، چه الگویی را در مناسبات خود با آفریقا مدنظر داشته است؟ و اصولاً الگوی اسلامی-ایران روابط با آفریقا باید از چه ویژگی‌هایی برخوردار باشد؟ روش تحقیق در این پژوهش توصیفی-تحلیلی و بر مبنای روش کیفی بوده و گردآوری داده‌ها، منابع مکتوب و اینترنتی است.

واژه‌های کلیدی: آفریقا، جمهوری اسلامی ایران، روابط خارجی، الگوی اسلامی-ایرانی، ژئواکونومی

۱. استادیار روابط بین‌الملل، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین، ایران cdint@emdad.ir

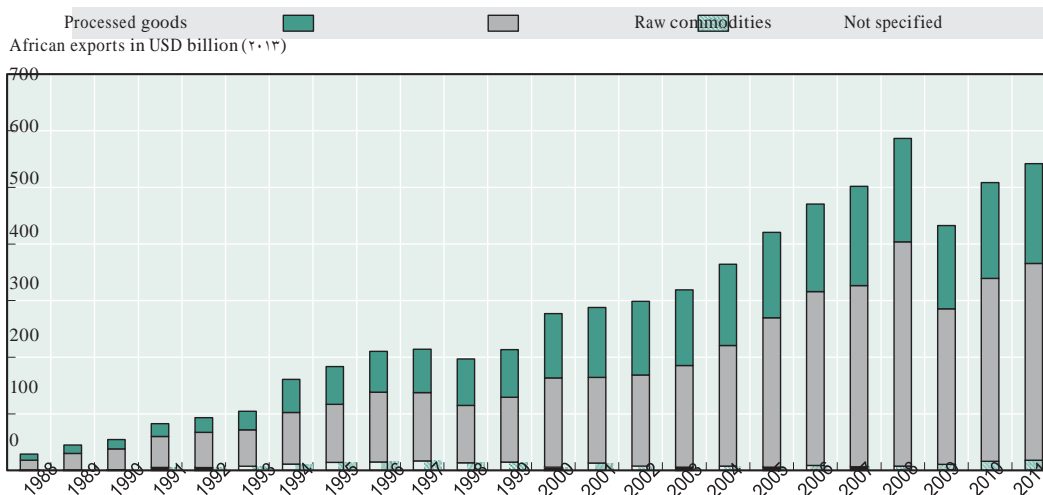
مقدمه

قاره آفریقا به لحاظ مولفه های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی از یک سری ویژگی ها و ظرفیت‌هایی برخوردار است که به عرصه ای راهبردی برای رقابت قدرت های فعال بین المللی تبدیل شده است. به طوری که بسیاری از تحلیل گران مسائل استراتژیک، قرن حاضر را قرن آفریقا نامیده اند. (Chambers, 2012: 15) در همین راستا بازیگران فعال در عرصه بین المللی (همچون دولت‌ها، کارتل‌های اقتصادی و شرکت‌های چند ملیتی، سازمان‌های بین المللی) با هدف نقش آفرینی بیشتر به بازیابی و طراحی سیاست‌ها و الگوهای راهبردی خود با آفریقا مبادرت می‌ورزند.

البته افزایش تمایلات مبتنی بر گسترش کار در آفریقا لزوماً به معنی انتفاع متقابل کشورهای آفریقایی نبوده است. بررسی آمار و سیر مناسبات اغلب کنش‌گران با آفریقا در سال‌های اخیر حکایت از آن دارد که سیکل تعاملات با آفریقا تغییر چندانی ننموده است و همچنان نگاه بهره‌برداری یک سویه از آفریقا بر نگرش‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی مبتنی بر سود-سود دو طرفه غلبه دارد.

(نمودار شماره یک)

Africa's exports benefitted from a natural resource boom, but processed goods did not lose out



Source: <http://wits.worldbank.org/wits/2013/10.1787/8829>

برای نمونه در حوزه مبادلات تجاری، نمودار آماری فوق که بر اساس گزارشات بانک جهانی در سال ۲۰۱۳ تولید گردیده است، به بررسی سیر کلی صادرات از آفریقا طی سال‌های ۱۹۸۸ لغایت ۲۰۱۱ پرداخته است و نشان می‌دهد که علی‌رغم افزایش صادرات از آفریقا به سایر نقاط دنیا، اما همچنان حجم صادرات منابع طبیعی از آفریقا نسبت به مواد و کالاهای فراوری شده آفریقایی بیشتر شده و روند صادرات یک طرفه منابع طبیعی از آفریقا و در عوض واردات کالا و مصنوعات غیرآفریقایی به این قاره استمرار یافته است. (نمودار شماره یک)

هرچند که این مساله در سایر موضوعات نیز روندی مشابه را پیموده و موجبات افزایش انگیزه بازیگران نوظهور را فراهم نموده است. با این تفاوت که بازیگران جدید خواستار سهم بیشتری نسبت به رقبای سنتی در آفریقا هستند. برای نمونه دولت ترکیه، جهت حضور فعال و تاثیر گذار در این قاره تنها از منظر سیاسی تعداد نمایندگی‌های سیاسی خود را در این قاره از ۱۹ نمایندگی در سال ۲۰۰۳ میلادی به ۴۳ نمایندگی در سال ۲۰۱۴ میلادی افزایش داده است و در بعد اقتصادی نیز ارزش کل پروژه‌های در دست اقدام توسط شرکت‌ها و پیمانکاران ترک در کشورهای آفریقایی قابل تامل بوده و سیاستمداران ترکیه رقمی معادل ۵۰ میلیارد دلار را برای افزایش حجم روابط تجاری با کشورهای آفریقایی تا سال ۲۰۱۸ میلادی هدف گذاری نموده اند که با توجه به برنامه‌ها و استراتژی دولت ترکیه دستیابی به این ارقام دور از انتظار نیست. (بخشی، ۱۳۹۲: ۱۵)

این در حالی است که کشورهای آفریقایی دارای ظرفیت‌ها و ویژگی‌های منحصر بفردی هستند که بالذاته از جایگاه ویژه‌ای در سیاست‌های کلان و مناسبات راهبردی جمهوری اسلامی ایران برخوردار می‌باشند. وجود مشترکات فرهنگی و سیاسی با ایران، منابع و معادن سرشار در آفریقا، بازار مصرف و فضای تجاری گسترده متناسب با تولیدات صنایع ایرانی، ظرفیت برای قدرت چانه زنی در محافل سیاسی و مجامع بین‌المللی (عضویت ۵۴

الگوی اسلامی - ایرانی روابط با آفریقا: بایسته‌ها و آسیب‌ها / ۸۵

کشور آفریقایی در سازمان ملل و بسیاری از سازمان‌های بین‌المللی) از جمله مولفه‌هایی هستند که ضرورت طراحی و ایجاد الگویی کلان و فراگیر برای روابط جمهوری اسلامی ایران با این قاره کهن را تقویت می‌نمایند.

الگویی که علاوه بر انطباق با معیارها، ماهیت و شاخصه‌های ذاتی و بومی جمهوری اسلامی ایران که برآمده از دو خصیصه اصلی اسلامی بودن و ایرانی بودن می‌باشد، مناسب‌ترین مسیر را در اختیار کنش‌گران فعال در عرصه برون‌مرزی (سازمان‌ها و نهادهای رسمی، موسسات، بنگاه‌های اقتصادی، شرکت‌های غیردولتی و نظایر آن) قرار دهد.

طبیعی است که به هر میزان این الگو بر پایه نگرش‌های راهبردی و هم‌خوان با وضعیت شناسی جامع و مانع صورت پذیرد، امکان بیشتری برای تحقق سیاست‌های کلان در مناسبات با آفریقا بوجود می‌آید و زمینه مناسبی را برای فهم مشترک راهبردی و اجماع نظر در حوزه سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و عملیات در آفریقا فراهم می‌نماید.

بعلاوه از آنجا که یک الگو به منظور پاسخ‌گویی به سوالات اصلی مانند "به کجا" و "چگونه" طراحی می‌شود، لذا ماموریت یک الگو مرتبط با پایه‌های فکری و هنجاری استوار می‌گردد. (سلیمی فر، ۱۳۹۱: ۶۶) از این منظر هر اندازه که این الگو با مبانی نظری و خاستگاه اصلی خود هم‌راستا باشد امکان پاسخ‌گویی مطابق اصول و ریشه‌های سازنده بیشتر می‌گردد.

با چنین استدلالی در طراحی الگوی جامع روابط با قاره آفریقا باید گفت شاخص‌ها، ویژگی‌ها و شاکله این الگو جنبه اختصاصی یافته و متکی بر مختصات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی آن خواهد بود و به بیان دیگر الگوی اسلامی-ایرانی روابط با آفریقا نمی‌تواند اقتباسی از الگوهای سایر کنش‌گران در آفریقا باشد.

هرچند که بررسی‌های تطبیقی و بهره‌گیری از تجربیات و دانش سایر بازیگران یک امر بدیهی و پذیرفته شده است که منجر به غنای الگو گردیده و مانع از تکرار تجربیات گذشته می‌گردد.

۱. فراز و فرود مناسبات جمهوری اسلامی ایران و آفریقا

طبق اسناد و شواهد تاریخی بدست آمده در زمان ساخت کانال سوئز مشخص گردیده که ایرانیان نه تنها در گذشته‌های دور به تجارت با بنادر و سرزمین‌های آفریقایی مبادرت می‌کردند، بلکه دارای ارتباطات فرهنگی، نظامی و حتی امور مهندسی بوده‌اند. بگونه‌ای که مهندسان ایرانی اولین گروهی بودند که به لایروبی کانالی که در بیش از ۲۵۰۰ سال پیش در محل فعلی کانال سوئز وجود داشته، اقدام نموده‌اند. (موحدی قمی، ۱۳۹۳: ۶۷) عمق روابط ایران و آفریقا را می‌توان در میزان کلمات فارسی بکار رفته در زبان سواحیلی مشاهده نمود که یکی از زبان‌های رایج در این قاره محسوب می‌شود. (عرب احمدی، ۱۳۹۱: ۲۰)

این در حالی است که علقه‌های مشترک دینی و هنجارهای اجتماعی بعد از ظهور اسلام نیز در تقویت مناسبات بین ایران و آفریقا بسیار حائز اهمیت بوده است. اعزام اولین گروه از مسلمانان به حبشه (اتیوپی فعلی) به دستور پیامبر(ص) و حضور جعفر بن ابیطالب به عنوان اولین فرستاده اسلام به این قاره، بیانگر شکل‌گیری یکی از کانون‌های مهم و تاریخی جهان اسلام در آفریقا به شمار می‌آید.

با این‌همه قبل از انقلاب اسلامی، به دلیل همسویی سیاست‌های شاه با قدرت‌های سلطه‌جو، شاخص‌های مهمی در خط مشی سیاست خارجی ایران نسبت به توسعه روابط با آفریقا قابل استخراج نمی‌باشد و دستگاه سیاست خارجی ایران تنها در آفریقای جنوبی و ۱۰ کشور آفریقایی دارای نمایندگی دیپلماتیک بود. (پاک آیین، ۱۳۸۳: ۱۳)

بر همین اساس سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در آفریقا را می‌توان مسامحتا به چهار دوره کلی تقسیم نمود.

۱.۱ رویکرد ایدئولوژیک در چارچوب منزلت هژمونیک گفتمان انقلاب اسلامی

با پیروزی انقلاب اسلامی و اتخاذ رویکرد انتقادی نسبت به سیاست‌های استعماری و نظام دوقطبی در عرصه بین‌المللی، جهت‌گیری سیاست خارجی ایران در خصوص آفریقا نیز دچار تحولات اساسی گردید و روابط ایران در اشکال مختلف نظیر کمک به مستضعفان و نهضت‌های رهایی‌بخش، همکاری با کشورهای غیرمتعهد و در حال توسعه (که عمدتاً در قاره آفریقا قرار دارند) در اولویت قرار گرفت.

در این دوره که مصادف با دهه اول انقلاب اسلامی و منزلت هژمونیک گفتمان انقلابی - اسلامی حاکم بر سیاست خارجی می‌باشد^۱، تمامی روابط سیاسی و اقتصادی ایران با آفریقا بازنگری اساسی شده و مسائلی همچون قطع صدور نفت به آفریقای جنوبی، گشایش دفتر نمایندگی «سوآپو»^۲ در راستای حمایت از مبارزات مردم آفریقا علیه نژادپرستی، حمایت از کشورهای خط مقدم جبهه و نهادهای مبارز همانند کنگره ملی آفریقا (ANC)^۳ در دستورکار قرار گرفت و نمایندگی‌های سیاسی ایران در کشورهایی همچون آنگولا، زیمبابوه، موزامبیک، تانزانیا، نامیبیا و زامبیا دایر شد. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۳: ۲۳)

دستگاه سیاست خارجی در این دوره به تبعیت از اولویت‌های کلان انقلاب اسلامی در خصوص معرفی اسلام در جایگاه یک ایدئولوژی الهی و انقلابی، سیاست‌های ضد امپریالیستی و ضد استعماری و نیز حمایت از مستضعفین جهان، توجه جدی به سوی

۱. برای مطالعه بیشتر رک دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۹۳)، چرخه گفتمانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از دولت بازرگان تا دولت روحانی، نشر مخاطب

2. South West African People's Organization (SWAPO)
3. African National Congress

آفریقا داشت. بویژه آنکه روابط با آفریقا ذیل نگرش جهانی امام خمینی(ره) در قالب "راهبرد جنگ فقر و غنا" معنا و مفهوم می‌یافت.

بر همین اسلوب تعاملات ایران و آفریقا بیشتر جنبه فرهنگی-اجتماعی یافت که از آن جمله می‌توان به پذیرش طلاب آفریقایی برای آموزش در ایران، تاسیس برخی مراکز دینی-آموزشی در آفریقا، پیگیری و اجرای کمک‌های بشردوستانه، ایجاد درمانگاه و نظایر آن اشاره نمود. (موحدی قمی، ۱۳۹۳: ۷۷)

برای نمونه جهاد سازندگی سالانه به حدود ۱۴۰۰۰ نفر از مردم آسیب دیده کشور غنا خدمات بهداشتی-درمانی ارائه می‌نمود (پاک آیین، ۱۳۸۳: ۲۶)

البته در سوی دیگر نیز انقلاب اسلامی ایران به دلیل ویژگی‌های آرمانی و انقلابی خود به سرعت مورد توجه مردم کشورهای آفریقایی قرار گرفت و جایگاه ویژه ای نزد ملت‌های آفریقایی یافت. (موحدی قمی، ۱۳۹۳: ۷۴) به هر تقدیر رویکرد کلان نسبت به آفریقا سبب شد تا اغلب مناسبات ایران و آفریقا در قالب اقدامات مختلف عمرانی و کشاورزی از طرف نهادها و ارگان‌هایی همچون جهاد سازندگی صورت پذیرد. برخی از ملاحظات در روابط ایران و آفریقا در این دوره عبارتند از:

✓ نبود شناخت جامع از محیط، شرایط و معادلات آفریقا (ضعف در وضعیت شناسی مناسب)

✓ تمرکز بر مسائل و شرایط ناشی از جنگ تحمیلی، عدم وجود نقشه راه مدون و استراتژیک، نابسامانی و عدم سازماندهی در مناسبات با آفریقا

✓ ضعف در ساختار اقتصادی ایران (مانند کندی سیستم اعتبارات بانکی و تجاری، کمبود خطوط ارتباطی و حمل و نقل)

✓ عدم توانایی بخش خصوصی در برقراری مناسبات بین‌المللی و نیز بی‌انگیزگی سرمایه‌گذاران و تجار ایرانی

۱،۲ رکود نسبی در مناسبات با آفریقا

این دوره که از اوائل دهه هفتاد شمسی تا سال‌های اولیه دهه هشتاد را در بر می‌گیرد، همزمان با تقویت گفتمان مبتنی بر سازندگی و پیشرفت اقتصادی سبب شد تا اولویت‌ها و ترجیحات اقتصادی بیش از گذشته مدنظر قرار گیرد. به بیان دیگر عواملی چون ضرورت‌های ناشی از بازسازی خرابی‌های ناشی از جنگ تحمیلی، محاصره اقتصادی و تنگناهای سیاست داخلی سبب تقویت نگرش برای استفاده از امکانات و سرمایه‌گذاری خارجی گردید و دستگاه سیاست خارجی را به سمت اتخاذ جهت‌گیری‌های جدید بین‌المللی سوق داد. (فوزی، ۱۳۸۴: ۲۸۵)

از همین رو مقامات ایران اعلام داشتند که جمهوری اسلامی در صدد نزدیکی با جهان خارج در دهه دوم انقلاب خواهد بود و لذا شرایط مساعدی برای توسعه روابط با بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی فراهم آمد و به تبع آن انگیزه بیشتری در بخش‌های گوناگون دولتی و اقتصادی در مسیر سیاست‌های زودبازده نمایان شد. (فوزی، ۱۳۸۴: ۲۸۶)

این در حالی بود که در پی تحولات بین‌المللی نظیر شکل‌گیری جمهوری‌های تازه استقلال یافته آسیای مرکزی، فرصت‌های جدید و کم‌ریسک تری برای سرمایه‌گذاران ایرانی در عرصه‌های بین‌المللی قابل تصور بود. لذا مسائلی مانند همجواری ایران با بازارهای جدید آسیای میانه و قفقاز، علاقه مندی برای حضور در بازارهای اروپایی باعث ایجاد تردیدهایی در خصوص توسعه روابط با آفریقا می‌گردید و در نتیجه اولویت همکاری‌های اقتصادی به سمت بازارهای روشن‌تر و مطمئن‌تر سوق داده می‌شد.

البته وقوع رخدادهایی مانند مساله دادگاه میکونوس^۱ آلمان که باعث تنش ایران و غرب شده بود زمینه گسترش همکاری‌ها با آفریقا را تقویت می‌نمود. تا جاییکه در همین مقطع

1. Mykonos

سفارتخانه‌های ایران در آفریقا از ۹ سفارتخانه به ۲۰ سفارتخانه افزایش یافت. (بخشی، سایت افران: ۱۳۹۴)

مع الوصف اگرچه برخی مسائل کلان سیاسی نظیر موضع‌گیری ایران در برابر ایده نظم نوین جهانی از سوی آمریکا یا سیاست نگاه به شرق و بهره‌برداری از آراء کشورهای آفریقایی در مجامع بین‌المللی مورد توجه گروهی از سیاستمداران جمهوری اسلامی قرار گرفته و حتی سفر رئیس‌جمهور وقت به ۵ کشور آفریقایی را در سال ۱۳۷۵ به دنبال داشت (موحد قمی، ۱۳۹۳: ۸۱)، اما در عمل روابط با آفریقا در مقایسه با سایر مناطق دچار تحول محسوسی نگردید. بطوریکه مثلاً در حوزه اقتصادی درصد سهم آفریقا از کل صادرات ایران روند نزولی یافت و از حدود ۲/۴۲ درصدی در سال ۱۳۵۸ به حدود ۰/۸۴ در سال ۱۳۷۵ رسید. (بولتن وزارت امور خارجه، ۱۳۸۵: ۸۲)

اما این روند علی‌رغم تقویت تدریجی فضای نسبی گسترش دیپلماسی و تعاملات با خارج از کشور، همچنان تا اواخر دوره مورد بحث که مصادف با سال‌های فعالیت دولت اصلاحات می‌باشد با رکود نسبی مواجه بود و حتی در مواقعی بخشی از فعالیت‌ها و پروژه‌های در حال اقدام برای کشورهای آفریقایی که غالباً جنبه اجتماعی-فرهنگی داشت، نسبت به گذشته کاهش یافته و یا متوقف گردید. کاهش قابل توجه اقدامات وزارت جهاد سازندگی (سابق) در کشورهایی همچون سیرالئون، غنا و تانزانیا تاییدی بر این مدعاست^۱.

برخی از ملاحظات در روابط ایران و آفریقا در این دوره عبارتند از:

✓ عدم درک و اولویت بخشی صحیح از فرصت‌ها و چالش‌های آفریقا (نبود نقشه راه جامع)

۱. برای مطالعه بیشتر ر.ک به سایت دانشنامه مرکز انقلاب اسلامی، تاریخچه نهادهای انقلابی و گزارشات دفتر امور بین‌الملل و سازمانهای تخصصی وزارت جهاد کشاورزی

- ✓ نبود عزم ملی و قرارگرفتن در اولویت‌های پایین برای توسعه روابط با آفریقا
- ✓ تحول در معادلات قدرت در آفریقا و افزایش بحران‌های نوظهور نظیر جریان‌های انحرافی - افراطی

۱,۳ مولفه‌های سیاسی آفریقا؛ موتور محرک مناسبات

دهه ۸۰ شمسی مصادف با دگرگونی رویکردها نسبت به این قاره بزرگ هم در سطوح بین‌المللی و هم سطح ملی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. از یک سو به موازات شکل‌بندی اتحادها و ائتلاف‌های جدید بین‌المللی، تمایل برای جذب آراء سیاسی دولت‌ها و ملت‌های آفریقایی گسترش یافت. چراکه آفریقا با برخورداری از ۵۴ کشور بصورت بالقوه نقش مهمی در تصمیم‌گیری‌ها و نشست‌های بین‌المللی دارد. (هرچند که نباید تاثیر تمایلات فرهنگی و علقه‌های مذهبی در برقراری ارتباط با آفریقا و خصوصاً ملت‌های مسلمان را نادیده گرفت.)

از سوی دیگر عوارض ناشی از جریان‌های نوظهور جهانی (مثل پیامدهای جهانی شدن)، اندیشه‌های افراطی (مانند گروهک‌های تروریستی و انحرافی بوکوحرام در نیجریه) و افزایش سهم‌گیری بازیگران رقیب یا معارض بین‌المللی در آفریقا سبب می‌شد تا ملاحظات سیاسی نسبت به این قاره محروم قوت یابد. در همین چارچوب تنش با غرب و افزایش قیمت نفت ایران را به همکاری‌های جنوب- جنوب و توسعه ارتباط با کشورهای آفریقایی سوق داد و روابط سیاسی ایران با آفریقا بسیار توسعه یافت. (بخشی، سایت افران: ۱۳۹۴)

لذا دستگاه سیاست خارجی برپایه رویکرد بهره‌گیری از فرصت‌های جدید در مناطقی نظیر آفریقا یا آمریکای لاتین (که پیش از این ارتباطات گسترده‌ای نداشت) حرکت نموده و برای توسعه روابط سیاسی با آفریقا طرح ریزی‌هایی نمود.

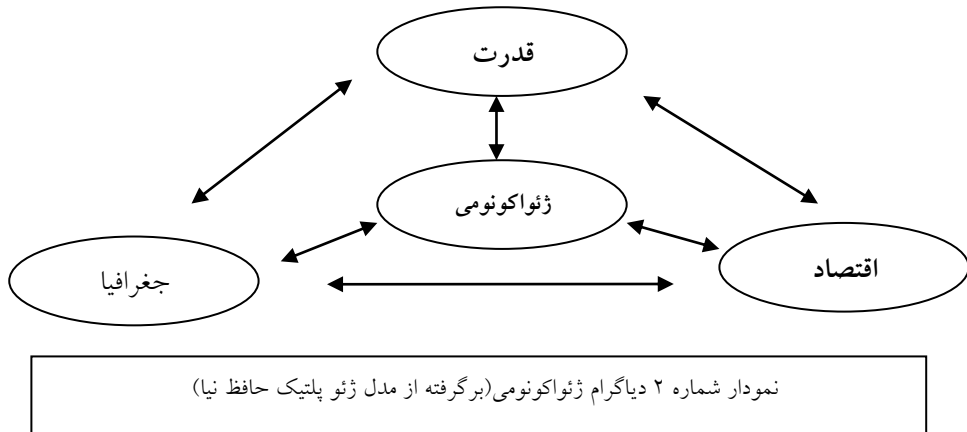
البته در این دوره مسائلی مانند وجود موانع سیاسی جهت برقراری روابط نزدیک ایران و اروپا؛ هزینه‌های بیشتر و وضع استانداردهای بالای حمل و نقل به کشورهای اروپایی نسبت به آفریقا و در مقابل امکان بازاریابی تولیدات و کالاهای ایرانی در آفریقا موجب تمایل بیشتر برای توسعه مناسبات با آفریقا می‌گردد.

لذا ایجاد ساختارهای مرتبط با آفریقا نظیر تأسیس مراکز همکاری علمی، فرهنگی و یا اقتصادی ایران و آفریقا و همچنین گسترش ملاقات‌ها و میزان بازدیدهای رسمی روسا و مسئولین طراز اول ایران و آفریقا در همین چارچوب قابل تحلیل و ارزیابی است.

۱,۴ تقویت اولویت‌های ژئواکونومیک در مناسبات با آفریقا

در پی برجسته‌تر شدن جایگاه سیاسی آفریقا در دستگاه سیاست خارجی، به تدریج ابعاد و ظرفیت‌های اقتصادی کار با آفریقا و موضوعات ژئواکونومیک آن نیز مورد توجه قرار گرفت. البته تقویت نگاه ژئواکونومیک به آفریقا تا حد زیادی مرتبط با تحولات بین‌المللی به این قاره بوده است که تحت تاثیر تقسیمات جغرافیای سیاسی جدید قدرت‌های بزرگ شکل گرفته است.

توضیح آنکه در پی تغییرات و رخداد‌های نوظهور قرن بیست و یکم، مفاهیم ژئوپلتیک از رهیافت‌های نظامی و استراتژیک به سمت رویکردهای ژئواکونومیک و اقتصادی چرخش یافته است. (عزتی، ۱۳۸۹: ۲۸) ژئواکونومی از ترکیب سه عنصر قدرت، اقتصاد و جغرافیا شکل گرفته است و به نظر می‌رسد سیاست که عامل مهمی در ژئوپلتیک بوده، کم‌کم جای خود را به اقتصاد می‌دهد. اما این مساله به آن معنا نیست که ژئواکونومی چیزی غیر از ژئوپلتیک و یا در برابر ژئوپلتیک است. بلکه جزئی از آن و یکی از اندیشه‌های ژئوپلتیک در عصر حاضر است. (عزتی، ۱۳۸۹: ۲۹)



در واقع ژئواکونومی، اثرگذاری عوامل یا زیربناهای اقتصادی در محیط کشوری، منطقه‌ای یا جهانی در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و رقابت‌های قدرتی و اثرگذاری این عوامل در ساختار شکل‌گیرنده ژئوپلیتیک منطقه‌ای یا جهانی را مورد مطالعه قرار می‌دهد. (قلی زاده و ذکی، ۱۳۸۷: ۲۷-۲۶).

از این منظر موضوع نفت و انرژی کشورهای آفریقایی جزء پارامترهای ژئواکونومیک بوده که در حال تبدیل شدن به یکی از مولفه‌های اصلی در روابط با آفریقا گردیده است. بطوری که طی دهه اخیر مناطقی مانند غرب آفریقا و کشورهای آفریقایی حوزه خلیج گینه (مانند نیجریه، آنگولا، کنگو، گینه استوایی) به دلیل برخورداری از ذخائر نفت و انرژی جزئی از اولویت‌های راهبردی قدرت‌های بزرگ بخصوص آمریکا تبدیل شده‌اند. (صبری، ۱۳۸۵: ۱۹)

همین فاکتور در دوره حاضر سبب شده تا بخشی از مناسبات کشورهای غیر آفریقایی نظیر ایران حول مسائل انرژی معطوف شود و علاوه بر بحث صادرات و انتقال انرژی موضوعاتی مانند احداث پالایشگاه و صنایع وابسته مورد توجه قرار گیرد.

برای نمونه، رئیس اتحادیه صادرکنندگان فرآورده‌های نفت، گاز و پتروشیمی و رئیس شورای همکاری‌های اقتصادی ایران و آفریقا ضمن اعلام علاقه مندی در خصوص طرح-های جدید احیای سوآپ نفت توسط بخش خصوصی ایران از توافق با ۶ کشور آفریقایی برای ساخت پالایشگاه‌های نفت در آفریقا خبر داده است. (سایت روزنامه عصر اقتصاد، ۱۳۹۲)

از جانب دیگر به موازات افزایش گرایش‌ها به توسعه روابط با بازارهای خارجی و نیز تجربه و شناخت بیشتر ساختار اجتماعی و اقتصادی آفریقا سبب شده تا تمایل بخش‌های مختلف دولتی و خصوصی ایرانی نسبت به گسترش بازارهای صادراتی بیشتر گردد. تصویب موافقتنامه تشویق و حمایت متقابل از سرمایه‌گذاری بین جمهوری اسلامی ایران و دولت تانزانیا توسط هیات دولت در مرداد ماه سال ۱۳۹۴، طرح حمایت از بنگاه‌های کوچک و متوسط برای استفاده از فرصت‌های اقتصادی قاره آفریقا، مشارکت بخش خصوصی در جهت افزایش همکاری‌های صنعتی، معدنی و مهندسی و تمرکز بر روی بازارهای هدف و اولویت‌بندی کشورهای آفریقایی برای افزایش روابط از جمله مصادیقی است که در بهبود روابط اقتصادی فی‌مابین حائز اهمیت است. (جمعی از کارشناسان، ۱۳۹۴ : ۹-۱۱)

در یک جمع‌بندی از مناسبات آفریقا طی دوره مذکور باید گفت به میزانی که از عیار مولفه‌های ایدئولوژیک در سیاست خارجی نسبت به آفریقا کاسته شده، به همان اندازه پارامترهای اقتصادی مورد توجه بیشتر قرار گرفته و به نوعی مسائل ژئواکونومیک پایه مناسبات با آفریقا گردیده است. توافق برای ایجاد چهار منطقه آزاد تجاری در آفریقا، تشکیل شورای عالی تجاری ایران-آفریقا و توسعه همکاری‌های بانکی از جمله مصادیق برنامه‌های مبتنی بر نگرش اقتصادی میان ایران و آفریقا به شمار می‌آید. (سایت خبرگزاری فارس، ۱۳۹۴)

۲. چالش‌ها و مشکلات تعامل با آفریقا :

بررسی اجمالی دوره‌های مختلف سیاست خارجی ج.ا.ایران نسبت به آفریقا حکایت از آن دارد که با وجود ویژگی‌ها و جایگاه روبه‌رشد آفریقا در معادلات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، اما همچنان فاصله زیادی میان اهداف ترسیمی در اسناد بالادستی ج.ا.ایران با وضعیت موجود در روابط با آفریقا وجود دارد. برخی از مهمترین آسیب‌ها عبارتند از :

* **وجود نگاه مقطعی و گذرا** : به اذعان اغلب دست‌اندرکاران کار با آفریقا، تعاملات ج.ا.ایران عموماً متناسب با راهبردهای کلان با این قاره کهن نبوده است. "در واقع این امر تا حدود زیادی ناشی از عدم شناخت جامع طرفین از یکدیگر بوده که منجر به تکیه بر شناخت ناقص و پیش فرض‌های منفی نسبت به هم شده است." (بخشی، ۱۳۹۲ : ۱۶)

در نتیجه هر زمان که مسئولین و نمایندگان (مانند سفراء، رایزنان اقتصادی یا فرهنگی) از انگیزه یا آگاهی بیشتری برای کار با آفریقا برخوردار بوده‌اند، امکان توسعه مناسبات افزایش یافته است و در مقابل عدم شناخت از ظرفیت‌ها موجب بی‌رقبتی برای کار با آفریقا بوده است. البته این موضوع در سطوح بالا سبب شکل‌گیری برخی آسیب‌ها نظیر دادن وعده‌های بی‌پایه و عدم تحقق آن‌ها گردیده که ایجاد چهره‌ای غیرمسئولانه و بعضاً منفی از سازمان‌ها و نهادهای فعال در آفریقا را به همراه داشته است.

* **یکسان‌نگری و برداشت غیر کارشناسی به آفریقا**: علی‌رغم ویژگی‌های مشترک سیاسی (مانند سابقه و تجربه مشترک از استعمار توسط غرب)، فرهنگی (وجود ساختارهای قومی-قبیله‌ای) و اقتصادی (شیوع فقر، فساد اداری) قابل احصاء در این قاره کهن باید گفت اتخاذ رویکرد ثابت و یکسان به بازیگران و دولت‌های آفریقایی موجب دور شدن از وضعیت‌شناسی صحیح به آن گردیده است. اگرچه می‌توان قاره آفریقا را بر طبق برخی معیارهای ژئوپلتیک، ژئوکالچر و ژئواستراتژیک یک واحد کلی مثل قاره اروپا در نظر گرفت، اما باید توجه داشت که آفریقا همانند سایر تقسیم‌بندی‌های بین‌المللی از یک

سری مناطق و اجزای مجزا و متفاوت تشکیل شده است که نمی‌توان بدون در نظر گرفتن شرایط و وضعیت هریک از آن‌ها اقدام نمود.

♦ **شکندگی ساختارهای سیاسی، اقتصادی در آفریقا**: یکی از چالش‌های اصلی کار با آفریقا ناشی از شرایط محیطی این قاره و مربوط به عدم ثبات و امنیت در حوزه‌های مختلف اقتصادی و سیاسی آن است. هرچندکه بخشی از اخبار و گزارشات در خصوص اوضاع این قاره جنبه ساختگی داشته و محصول مدیریت فقر از سوی بازیگران و شرکت‌های عظیم اقتصادی و بنگاه‌های خبرسازی غربی می‌باشد که با هدف سوء استفاده از ناآگاهی سائرین و ایجاد بی‌انگیزگی جهت روابط دیگر کنش‌گران با آفریقا طراحی می‌شود، اما نباید این واقعیت را فراموش نمود که آفریقا به دلایلی نظیر سابقه طولانی استعمار همچنان از زیرساخت‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی مناسب برخوردار نمی‌باشد که طبعا نیازمند بررسی‌های کارشناسی و طراحی‌های لازم در حوزه وضعیت شناسی محیطی آفریقا خواهد بود.

♦ **ضعف تفکر راهبردی و عدم تدوین نقشه راه در برقراری مناسبات**: با وجود تلاش‌های بسیار در حوزه کار با آفریقا و برگزاری نشست‌ها و جلسات متعدد و همچنین انعقاد توافقات و تفاهم‌نامه‌های همکاری در زمینه‌های مختلف، اما در عمل بی‌توجهی به ملاحظات راهبردی به این قاره موجب عدم طراحی و تدوین نقشه راه جامع و منسجم گردیده است و لذا مناسبات با آفریقا در دوره‌های مختلف دچار افت و خیزهای پراکنده گردیده است و در مواقعی حتی رویکردهای متعارض نسبت به یکدیگر را همراه داشته است. همین موضوع سبب شده تا در عمل اولویت‌بندی‌های راهبردی و متناسب با هدف‌گذاری‌ها صورت نگرفته و لذا سیاست‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و اقدامات از استمرار و ثبات لازم برخوردار نباشد.

۳. الزامات الگوی اسلامی- ایرانی روابط با آفریقا

چنانچه در سیر مناسبات ایران و آفریقا در دوره های فوق‌الذکر ملاحظه می‌گردد الگوی جامع و قابل استنادی در خصوص روابط با آفریقا طراحی نشده و یا مورد استفاده قرار نگرفته است. لذا باتوجه به شرایط موجود در عرصه مناسبات جمهوری اسلامی ایران با آفریقا می‌توان سه گام اساسی ذیل را مورد توجه قرار داد :

۳.۱ وضعیت شناسی

در گام نخست برای ترسیم، تولید و طراحی الگوی راهبردی با نام الگوی ایرانی-اسلامی روابط با آفریقا باید به وضعیت شناسی دقیق پرداخته شود. وضعیت شناسی پایه و زیرساخت الگوی مناسبات را تشکیل می‌دهد. زیرا اصولا راهبرد یک ماهیت شناختی دارد و در واقع وضعیت شناسی رکن اصلی در فرایند جریان یابی یک الگوی کلان به شمار می‌رود. بعلاوه نداشتن درک و شناخت مناسب می‌تواند موجب عدم تناسب میان اهداف، رفتارها و سیاست‌ها گردد. تا جایی‌که بازیگران نظام بین‌الملل با وجود برخورداری از امکانات متنوع داخلی و بین‌المللی، مجبور به در نظر گرفتن الزامات گوناگون در دستیابی به اهداف و منافع ملی خود هستند. بر همین اساس توجه به نمودار ذیل (نمودار شماره ۳) جهت دستیابی به وضعیت شناسی برای ترسیم الگوی ایرانی-اسلامی روابط با آفریقا ضروری به نظر می‌رسد :

ویژگی‌ها وملاحظات ج.ا.ایران در قاره آفریقا

- ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی
- اهداف، اصول و ماموریت‌های سیاست خارجی ج.ا.ایران
- فرصت‌ها، چالش‌ها و محدودیت‌های کار در آفریقا
- سوابق، تجربیات و

نظام بین الملل

ائتلاف‌ها،
جریان‌ها و
گروه‌های

قواعد،
حقوق بین

سازمان‌ها، پیمان‌ها،
تفاهات

محیط آفریقا

ویژگی‌های ذاتی
آفریقا، ملاحظات
سرزمینی و جغرافیایی،
فرهنگی و سیاسی

سایر بازیگران
(رقبا،
موافقین،
معارضین)

نمودار شماره ۳ وضعیت شناسی برای ترسیم الگوی ایرانی-اسلامی
روابط با آفریقا

به بیان دیگر برنامه ریزان دیپلماسی برای طرازبندی سیاست خارجی و استراتژی‌های

الگوی اسلامی - ایرانی روابط با آفریقا: بایسته‌ها و آسیب‌ها/ ۹۹

تعاملاتی خود باید تصویری از قدرت کشور خود و کشورهای دیگر اعم از متحدان یا رقبا داشته باشند. زیرا اهداف سیاست خارجی نباید بیرون از امکانات قدرت موجود کشور باشد. (عرب، ۱۳۹۳: ۲۹۵)

بر این اساس وضعیت شناسی الگوی آفریقا در سه سطح ذیل قابل دسته بندی است (نمودار شماره ۳):

✓ وضعیت شناسی متکی بر مبانی و خاستگاه روابط جمهوری اسلامی ایران با آفریقا با رعایت دو شاخصه اصلی اسلامی بودن و ایرانی بودن در قالب مولفه‌هایی همچون اندیشه، فرهنگ و معارف انقلاب اسلامی، دیدگاه های رهبران و مدیران ارشد نظام برای تعاملات فرهنگی، سیاسی و اقتصادی با آفریقا؛ تفاسیر و برداشتهای انتقادی و مشترک نسبت به نظام بین الملل و نظام سلطه؛ رویکرد بخش‌های غیردولتی و خصوصی ایرانی به آفریقا؛ وجود اسناد بالادستی، قانون اساسی و چارچوب کلان سیاست خارجی ج.ا.ایران که به این موضوعات اهتمام شده است.

✓ وضعیت شناسی مبتنی بر درک شرایط و محیط آفریقا در سه سطح قاره ای، منطقه ای و دولت‌ها در قالب موضوعاتی نظیر چگونگی نگاه دولت‌ها و مردم آفریقا برای روابط با سایر دولت‌ها و ملل؛ ظرفیت‌ها، فرصت‌ها و نقاط قوت و ضعف در آفریقا مانند وجود منابع غنی، بازارهای اقتصادی، امکان عرضه محصولات صنایع متوسط و کوچک در آفریقا، نیروی کار ارزان، میزان ثبات و امنیت برای سرمایه گذاری، وضعیت زیرساخت‌ها در آفریقا

✓ وضعیت شناسی در چارچوب معادلات نظام بین الملل مسائلی همچون نفوذ جریان‌های افراطی داعش و وهابیت؛ اوضاع اتحادیه آفریقا، مناسبات دولت‌های آفریقایی در سازمان ملل، نقش آفریقا در معادلات امنیت بین الملل، تاثیرات بازیگران بین المللی همچون آمریکا، چین و هند در آفریقا

بدیهی است که نگرش راهبردی بدست آمده از وضعیت شناسی سه سطحی فوق کمک می

کند تا صرفاً به داشته‌های بالفعل در صحنه عمل تمرکز نشود. بلکه برای ترسیم این الگوی جامع به مجموعه‌ای از فرصت‌ها و امکانات نرم افزاری و سخت افزاری در راستای بهره‌برداری از ظرفیت‌ها نیز اندیشیده شود تا زمینه‌های تبدیل آن‌ها به توانایی‌های بالفعل فراهم گردد.

۳.۲ استخراج و اولویت‌بندی مزیت‌ها

در گام دوم برای تدوین الگوی روابط با آفریقا باید بر اساس تطبیق و بررسی وضعیت شناسی بدست آمده به استخراج و دسته‌بندی نقاط قوت و ضعف روابط ج.ا.ایران با آفریقا در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی دست یافت و مزیت‌های ج.ا.ایران برای روابط با آفریقا را فهرست‌بندی نموده و اولویت‌ها را در قالب یک نقشه راه منسجم مشخص نمود. در این مرحله باید موضوعات محوری ذیل را مورد توجه قرار داد:

- احصاء و بررسی مقایسه‌ای مزیت‌ها، فرصت‌ها و چالش‌های ج.ا.ایران در روابط با آفریقا
 - نقشه راه برای رسیدن به اهداف جمهوری اسلامی ایران در آفریقا از چه مختصاتی برخوردار است؟
 - اولویت‌های احصاء شده از چه ماهیتی برخوردار است؟ (جنبه سخت‌افزاری، نرم‌افزاری، فکری، عاطفی، اقتصادی، نظامی و غیره دارد).
 - چگونه می‌توان منابع و توانمندی‌های (دولتی و غیردولتی) را به سمت اولویت‌ها و بالفعل‌سازی مزیت‌های موجود و خلق مزیت‌ها در آفریقا مدیریت کرد؟
 - حوزه نفوذ و شیوه عمل سایرین (رقبا، معارضین و یا همکاران) چه تاثیراتی بر روابط ج.ا.ایران در آفریقا خواهد داشت؟
- بدین ترتیب فهرست اولویت‌ها و شرایط و مقتضیات از یک سو و مولفه مزیت‌ها و ارزش افزوده از سوی دیگر برابندی را بوجود خواهند آورد که می‌تواند شاخصی برای الگوی

الگوی اسلامی - ایرانی روابط با آفریقا: بایسته‌ها و آسیب‌ها / ۱۰۱

ایرانی-اسلامی روابط با آفریقا محسوب شود. نتایج بدست آمده این امکان را برای برنامه ریزان بوجود می‌آورد تا براساس مقتضیات داخلی و میدان عمل به طراحی اسناد اجرایی در قالب برنامه‌های بلندمدت، میان مدت و کوتاه مدت دست یابند.

همچنین دسته بندی و استخراج اولویت‌ها باعث تنوع بخشیدن به مناسبات و گشودن فضاهای جدید در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی شده و فرصت‌های نوینی در کار با آفریقا فراهم می‌نمایند.

۳.۳ راهبری ستاد آفریقا

از آنجایی که الگوی روابط ج.ا.ایران در آفریقا محدود به یک حوزه خاص سیاسی، اقتصادی و فرهنگی نبوده و طیف گسترده‌ای از ارتباطات تجاری، اجتماعی، فن آوری، رسانه‌ای و... را در بر می‌گیرد، لذا گام نهایی یعنی عملیاتی نمودن این الگو نیازمند برنامه ریزی، هماهنگی، راهبری، نظارت و ارزیابی مستمر توسط یک ستاد مرکزی مبتنی بر نگرش فراحوزه‌ای خواهد بود تا ضمن وضعیت شناسی مستمر و به روز شده بتواند موجب انسجام فعالیت‌ها گردیده و مانع از هدر رفت سرمایه گذاری‌ها شود.

اهم کارویژگی‌های ستاد راهبری آفریقا عبارتند از:

- لحاظ نمودن سیاست‌ها و فعالیت‌ها متکی بر ضرورت بسترسازی فکری، اجتماعی و فرهنگی در جهت تثبیت و استمرار سایر حوزه‌های تعاملاتی و شکل دهی به عمق استراتژیک و حوزه نفوذ ج.ا.ایران
- بررسی، طراحی و راهبری انواع خرده منظومه‌های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی در حوزه‌های مختلف (رسمی و غیررسمی) ذیل الگوی جامع روابط با آفریقا.
- اعتناء و بررسی مستمر تجربیات، الگوها و تحرکات سایر دولت‌ها و بازیگران در جهت پرهیز از آزمون و خطا.
- توجه مستمر به آینده نگری و آینده پژوهی برای کار با آفریقا (تا بتوان از حالت

انفعالی به وضعیت کنشگر فعال دست یافت.)

• دریافت گزارش های عملکرد در جهت ارزیابی و تطبیق با سیاست‌های کلان

الگوی اسلامی - ایرانی روابط با آفریقا و نیز به روزرسانی و تکمیل وضعیت شناسی وجود هسته منسجم فکری، راهبری و نظارتی در حوزه روابط با آفریقا کمک می‌کند تا به موازات تقویت و سامان‌یابی ایده‌ها و نگرش‌های مبتنی بر کار با آفریقا در میان مسئولین ارشد و تصمیم سازان روابط خارجی، به تدریج درک^۱ صحیحی از مناسبات آفریقا ایجاد شده و نوعی خودآگاهی درون‌گفتمانی در سطوح مختلف میان فعالین (اقتصادی، فرهنگی، سیاسی) حوزه آفریقا بوجود آید.

در چنین حالتی دستگاه‌های مختلف به ویژه متولیان حوزه دیپلماسی عمومی می‌توانند مطابق نقشه و الگوی روابط با آفریقا حرکت نموده و زمینه‌های تقویت سایر بخش‌ها و حوزه‌های تجاری، علمی، فنی و نظایر آن را تقویت نمایند.

نتیجه‌گیری

بررسی رخدادهای نوظهور در عرصه بین‌المللی گویای این حقیقت است که رفته رفته قاره آفریقا به عرصه‌ای تعیین کننده در افق شناسی معادلات جهانی و بازیگران فعال فرامنطقه‌ای همچون آمریکا، چین، هند، ترکیه و ج.ا.ایران تبدیل گردیده است. از سوی دیگر وجود نگاه استراتژیک و اصولی در اسناد و سیاست‌های کلان نسبت به آفریقا و تقویت آن توسط مولفه‌های مهمی همچون پیوندهای تاریخی و فرهنگی میان ایران و آفریقا؛ تمایل به همسویی در مبارزات ضداستعماری در قالب‌هایی همچون مناسبات جنوب- جنوب؛ امکان تشریک مساعی جمهوری اسلامی ایران و آفریقا در مجامع

الگوی اسلامی - ایرانی روابط با آفریقا؛ بایسته‌ها و آسیب‌ها/ ۱۰۳

بین‌المللی، کنوانسیون‌ها و مجامع جهانی؛ نقاط مشترک در خصوص موضوعات جهانی همچون صلح و امنیت بین‌المللی، توسعه، فقرزدایی، مبارزه با بیماری‌های واگیردار همگی از جمله پارامترهایی هستند که ضرورت تقریب و همکاری بیش از پیش ایران و آفریقا را مشخص می‌سازد.

علی‌الخصوص آنکه جمهوری اسلامی ایران در سال‌های اخیر از توانمندی‌های بسیاری در زمینه‌های سرمایه‌گذاری، فنی و مهندسی، انتقال تکنولوژی متناسب با نیازها و بازارهای آفریقا برخوردار گردیده است و تمرکز بر کشورهای آفریقایی به‌عنوان شرکای تجاری و فنی می‌تواند فرصت‌های سهل‌الوصول‌تری برای تولیدات و تکنولوژی‌های ایرانی فراهم آورد.

اما برخلاف وجود نگرش‌های کلان درخصوص توسعه روابط با آفریقا و ابراز تمایل‌های گوناگون جهت کار با آفریقا ملاحظه می‌گردد که همچنان انتظارات و اهداف موردنظر آن گونه که باید برآورده نشده است.

کاهش نسبی حجم مبادلات تجاری ایران با کشورهای آفریقایی، نبود انگیزه و وجود محدودیت‌های تجاری - مالی (مانند امور بانکی - گمرکی)، کمبود زیرساخت‌های ارتباطی (مانند تعداد کم پروازهای مستقیم میان ایران و کشورهای آفریقایی)، عدم اجرای توافقنامه‌ها و تفاهم‌نامه‌های گذشته نمونه‌هایی هستند که بیانگر تداوم مشکلات کار با آفریقا به شمار می‌آیند.

بررسی دوره‌های مختلف سیاست خارجی نشان می‌دهد که یکی از مشکلات اساسی مربوط به عدم وجود الگوی جامع، مدون و از همه مهمتر بومی (متناسب با مبانی فکری، خاستگاه‌ها و اوضاع ایران) در مورد روابط با آفریقا بوده است. الگویی که ضمن نظرداشت شرایط و ویژگی‌های اختصاصی ایران و آفریقا بتواند بر اساس وضعیت شناسی فراگیر، به هم‌راستایی و هم‌افزایی اجزای مختلف اقتصادی، سیاسی و فرهنگی فعال در آفریقا منجر

گردد.

طراحی چنین الگویی نه تنها لازمه و پیش شرط اولیه توسعه روابط و گسترش مناسبات در عرصه های مختلف با آفریقا است، بلکه به منزله محور اصلی و نیز شاخصی برای راهبری و تنظیم اولویت‌های تعامل با آفریقا محسوب می‌شود که زمینه هماهنگی و همکاری بخش‌های خصوصی، نهادهای غیردولتی و سازمان‌های دولتی را بوجود می‌آورد.

نخستین مرحله برای طراحی الگوی اسلامی-ایرانی روابط با آفریقا مربوط به وضعیت شناسی است که شامل سه سطح الف) مبانی و خاستگاه جمهوری اسلامی ایران، ب) اوضاع و ویژگی‌های آفریقا و ج) ساختار و نظام بین‌الملل می‌باشد. وضعیت شناسی همه-جانبه نگر کمک می‌کند تا تعریف و تصور صحیحی از نقاط قوت و ضعف این قاره میان تصمیم‌سازان و فعالین (اقتصادی، فرهنگی، سیاسی) آفریقا بوجود آید.

در گام دوم باید گفت دستیابی به چنین الگویی مستلزم واکاوی ابعاد مختلف ارتباطی و اولویت بندی مناسبات است تا بتوان ضمن شناسایی محدودیت‌ها، چالش‌ها و نقاط قوت در هر سطح، ابزارها و شیوه‌های لازم را به منظور تقابل و دفع تهدیدات و ضعف‌ها و در عین حال بهره‌گیری از فرصت‌ها و ظرفیت‌های بالقوه مورد توجه قرار داد.

اما مرحله نهایی الگوی مذکور یعنی عملیاتی شدن آن تا حد زیادی منوط به یک مرکز منسجم و در عین حال فراحوزه‌ای است تا متناسب با اولویت‌های استخراج شده به راهبری و تنظیم مناسبات پرداخته و ضمن ایجاد هم‌افزایی و هماهنگی میان سازمان‌ها و نهادهای فعال در آفریقا، فعالیت‌ها و برنامه‌های مربوطه را رصد و ارزیابی نماید و مجدداً در درون سیکل وضعیت شناسی قرار گیرد.

بعلاوه چنین الگویی مبنا و یک سند پشتیبان برای دستیابی به اسناد اجرایی می‌باشد که متناسب با شرایط و مقتضیات داخلی (ملی)، محیط عمل (آفریقا) و بین‌المللی می‌تواند وظایف، برنامه‌ها، میزان حضور و یا میزان نقش آفرینی سازمان‌های فعال و یا اینکه

نهادهایی که باید فعال شوند را در اختیار قرار می‌دهد.

بدین ترتیب اهم و ویژگی‌های الگوی اسلامی-ایرانی روابط با آفریقا عبارتند از :

- این الگو متناسب با شرایط و ویژگی‌های خاص جمهوری اسلامی ایران طراحی شده و در نتیجه منطبق با اهداف و منافع ملی ج.ا.ایران خواهد بود.
- این الگو پایه و مبنایی برای تولید اسناد اجرایی بوده و موجب مدیریت بهینه هزینه‌ها، منابع و ظرفیت‌ها در جهت دستیابی به اهداف می‌باشد.
- این الگو ضمن در اختیار قرار دادن اولویت‌ها سبب برنامه ریزی جامع و زمان بندی شده بر اساس توانمندی‌ها می‌شود.
- این الگو با رعایت عنصر پیوستگی و استمرار موجب هم افزایی و تقویت فعالیت نهادهای فعال در حوزه آفریقا و پرهیز از موازی کاری می‌شود.
- این الگو امکان پایش و ارزیابی‌های دوره‌ای را به سمت اهداف فراهم نموده و ضمن اشکال‌یابی و برنامه ریزی جهت رفع چالش‌ها، زمینه بالفعل ساختن مزیت‌های بالقوه را ایجاد می‌نماید.
- این الگو با شکل دهی شفافیت راهبردی و کمک به فهم مشترک در حوزه عمل آفریقا سبب از بین رفتن سردرگمی‌های راهبردی و اتلاف انرژی و منابع می‌شود و زمینه را برای همگن شدن و هم‌افزایی فعالان فراهم می‌کند. به نحوی که همه بازیگران بر اساس یک تصویر شماتیک واحد و معنادار به سمت تحقق اهداف راهبردی حرکت می‌نمایند.

بخشی، احمد (۱۳۹۲)، مجموعه گزارشات کارگروه مشورتی آفریقا، انتشارات کمیته امداد امام (ره)، صص ۲۹-۲۷.

بخشی، احمد (۱۳۹۵)، گزارش بررسی حضور ترکیه در آفریقا، نقل از سایت افران، <http://www.afiran.ir/modules/smartsection/item.php?itemid=1420> ،

مورخ ۱۳۹۴/۷/۲۵

بولتن وزارت امور خارجه (۱۳۸۵)، اسناد و گزارش‌های روابط ج.ا.ایران و آفریقا در سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۵، اداره کل آفریقای وزارت امور خارجه.

پاک آئین، محسن (۱۳۸۳)، نگاهی به تاریخچه روابط ایران و آفریقا، فصلنامه مطالعات آفریقا، انتشارات دفتر مطالعات سیاسی وزارت خارجه، صص ۲۸-۱۳.

حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۵)، اصول و مفاهیم ژئوپلتیک، مشهد، انتشارات پاپلی.

جمعی از نویسندگان (۱۳۹۳)، گزارش سازمان توسعه تجارت ایران طرح توسعه روابط تجاری ج.ا.ایران با آفریقای جنوبی، معاونت بازاریابی و تنظیم روابط به نقل از دفتر بازرگانی کشورهای عربی و آفریقایی.

جمعی از کارشناسان (۱۳۹۴) گزارش شورای همکاریهای اقتصادی ایران و آفریقا، به نقل از سایت <http://www.iaecc.ir> تاریخ ۴ مرداد.

دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۹۳)، چرخه گفتمانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از دولت بازرگان تا دولت روحانی، نشر مخاطب.

روزنامه عصر اقتصاد، آرشیو، نقل از سایت روزنامه www.asre-eghtesad.com/ <http://92/02/25>

سلیمی فر، مصطفی (۱۳۹۱)، مقدمه‌ای بر الگوی توسعه اسلامی ایرانی، کتاب نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی: الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، نشر پیام عدالت.

الگوی اسلامی - ایرانی روابط با آفریقا؛ بایسته‌ها و آسیب‌ها/ ۱۰۷

سیمبر، رضا (۱۳۹۱)، روابط بین الملل و دیپلماسی صلح در نظام متحول جهانی، تهران : انتشارات سمت.

شفیعی، نوذر و شریعتی، سعیده (۱۳۹۰)، تحلیل فرصت‌ها و چالش‌های عضویت ناظر ایران در اتحادیه آفریقا، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین المللی، شماره ۸، پاییز، صص ۸۱-۹۷.

صبری، انوشه (۱۳۸۵)، نفت آفریقا در صحنه رقابت جهانی، فصلنامه مطالعات آفریقا، پاییز و زمستان، شماره ۱۴، صص ۴۵-۱۰.

عرب احمدی، امیر (۱۳۹۱)، تاثیر زبان و ادبیات فارسی بر زبان سواحیلی، پژوهشنامه ادبیات و زبان شناسی، فیروز آباد، سال اول، شماره اول، بهار، صص ۲۲-۱۱.

عرب، حسین (۱۳۹۳)، تحلیلی بر قدرت ملی کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا، فصلنامه راهبرد، سال بیست و سوم، شماره ۴، بهار، صص ۳۲۷-۲۹۳.

عزتی، عزت اله (۱۳۸۹)، تحلیل ژئوپلتیک و ژئواکونومیک، فصلنامه ژئوپلتیک، سال دوم شماره ۲، تابستان، صص ۴۵-۲۷.

علوی، سید حسین (۱۳۹۱)، الگوهای جدید برای توسعه آفریقا، فصلنامه بانک و اقتصاد، شماره ۱۱۱، بهمن، صص ۶۵-۶۲.

فوزی، یحیی (۱۳۸۴) تحولات سیاسی اجتماعی بعد از انقلاب اسلامی در ایران، تهران : موسسه تنظیم و نشر آثار امام (ره)، ج ۱.

قلی زاده، ولی (۱۳۸۷) و ذکی، یاشار، بررسی و تحلیل جایگاه ژئوپولیتیکی و ژئواکونومیکی ایران برای کشورهای CIS، فصلنامه ژئوپولیتیکی، سال چهارم، شماره سوم، صص ۴۱-۲۲.

متقی، ابراهیم (۱۳۸۹)، الگو و روند درسیاست خارجی ایران، تهران، انتشارات مفید.

موحدی قمی، محسن (۱۳۹۳)، بررسی روابط ج.ا.ایران با کشورهای قاره آفریقا، پژوهشنامه آفریقا، بهار، صص ۹۶-۶۵.

Chambers, Catherine (2012) **Swahili**, Heinemann Educational Books, Chicago.

Cole , Alari(2010) ,**Iran Africa Relations : Suggested Point Worth Reflecting On** , available at : Google.com (18/7/2010).

Jude, Sorana-Cristina (2011),Union for the Mediterranean, French Product with European Stamp ,Central European University, Available at : http://www.etd.ceu.hu/2011/jude_sorana.pdf.

Ramadan , Tariq (2011) ,**Tunisia and Africa: The New Realignment** , At: <http://www.tariqramadan.com/Tunisia-and-Africa-The-New.html> (۲۸ jan).

Stokes , Jamie (2009). “**Encyclopedia of the Peoples of Africa and the Middle East** “Volume 1, New York: InfoBase Publishing.

<http://www.farsnews.com/>

<http://www.hamshahri.net/print-۱۱۵۷۳۴.aspx>.

<http://wits.worldbank.org/wits> : Authors' calculations based on UN (2013)